

## بررسی و تحلیل بنمایه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

زهرا صادقی‌نیا\*

چکیده

در این پژوهش ضمن کشف و طبقه‌بندی بنمایه‌ها در رمان «گلاب‌خانم» نوشته «قاسم‌علی فراست»، ارتباط آنها با عناصر داستان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد گونه‌های مختلف بنمایه اعم از اشخاص، اشیاء، حوادث، مکان و غیره که در سراسر رمان وجود دارد در خلق عناصر مختلف داستان مانند شخصیت، مکان، فضا، کشمکش، تعلیق و غیره کاربرد داشته‌اند.

۱۰۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۹۷

کلیدواژه‌ها: بنمایه، رمان شخصیت‌محور، عناصر داستان، ادبیات دفاع مقدس، گلاب‌خانم.

### ۱. مقدمه

ادبیات پایداری پیشینه‌ای به قدمت تاریخ ادبیات جهان دارد و این امر ناشی از این اصل است که انسانها در هر گوشه‌ای از جهان که زندگی می‌کنند، به محض بروز جنگ یا ناآرامی در حمایت از استقلال خود در برابر هجوم دشمن داخلی یا خارجی ایستادگی می‌کنند، و بازتاب این مقاومت به آثار هنرمندان اعم از شاعران و نویسندگان راه می‌یابد. از آنجایی که آثار این حوزه حول محور یک موضوع واحد، یعنی مقاومت، به نگارش در می‌آید، اغلب دربردارنده مفاهیم مشترک و تکرارشونده‌ای هستند که اهل فن

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۲۹

\* کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه اصفهان - نویسنده مسئول khakriz1391@gmail.com

به آنها «بنمایه» می‌گویند.

در آثار داستانی، بررسی بنمایه و نشان‌دادن ارتباط آن با سایر عناصر داستان به تجزیه و تحلیل دقیقتر و درک بهتر اجزای داستان، به‌ویژه پیامهای ضمنی آن کمک می‌کند. پژوهشگران از بنمایه با اصطلاحات متفاوتی چون «مضمون، مایه غالب، نماد و غیره» یاد کرده‌اند و تعاریف متعددی برای این واژه ذکر شده است. در این پژوهش، تعریف زیر مبنای بررسی و تحلیل بنمایه‌ها بوده است:

بنمایه‌های داستانی عناصر ساختاری - معنایی، از نوع کنشها، اشخاص، حوادث، مفاهیم، مضامین، اشیا، نمادها و نشانه‌ها در قصه‌هاست که بر اثر تکرار به عنصری تپیک و نمونه‌وار بدل شده است. بنمایه‌ها در موقعیت روایی خاص و معمولاً به سبب تکرار شون‌دگی، برجستگی و معنای ویژه می‌یابند و حضورشان در قصه موجب بسط حجمی آن، زیبایی روایت و تقویت جاذبه داستانی و درونمایه قصه می‌شود (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۲).

داستانها و رمانهای دفاع مقدس نیز دارای مفاهیم و بنمایه‌های مشترکی هستند؛ مانند شهید، جانباز، تفنگ، انفجار، خاکریز، چفیه، ایثار و غیره که با بررسی و تحلیل آنها می‌توان پرده از رازهای نهفته داستانهای دفاع مقدس برداشت، نقاط ابهام آنها را روشن کرد و مفاهیم و ارزشهای دفاع مقدس را با زبانی ادبی و جذاب به مخاطب منتقل کرد؛ حتی مخاطبی که آن دوران را نزیسته است. پس از بررسی بنمایه‌ها و طبقه‌بندی آنها متوجه می‌شویم که بنمایه‌ها با عناصر داستانی مانند شخصیت، کشمکش، لحن، تعلیق، مکان و غیره ارتباط دارند.

#### ۱. بیان مسئله

سرزمین ایران از گذشته‌های دور مورد تهاجم اقوام مختلف بوده است؛ از جمله حمله اعراب، حمله مغول و در عصر حاضر حمله رژیم بعث عراق در سال ۱۳۵۹ که منجر به مقاومت جانانه مردم ایران با عنوان «دفاع مقدس» شد. هرکدام از این جنگها به نوعی بر فرهنگ و ادبیات این ملت تاثیر گذاشته و در آثار هنرمندان نمود پیدا کرده است.

ادبیات دفاع مقدس که «به مجموعه سروده‌ها و نوشته‌هایی گفته می‌شود که درونمایه و موضوع آنها به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامد و تبعات آن بازمی‌گردد» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۵) با آغاز جنگ شکل گرفت و در طول جنگ و بعد از آن

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنمايه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

ادامه یافت و همچنان از موضوعات مورد توجه نویسندگان برای آفرینش آثار ادبی در قالب‌های مختلف از جمله داستان، شعر، خاطره‌نویسی و غیره است. رمانهای دفاع مقدس که بخشی از این ادبیات را تشکیل می‌دهند، نمایانگر مفاهیم و مضامینی همچون ایثار، گذشت، شهادت، صبر، شجاعت، دفاع از وطن، شکنجه، امید به پیروزی و غیره هستند که در رفتار و اعمال شخصیتها، حوادث، مکانها و اتفاقات رمان مشهود است. برای بررسی دقیقتر این مفاهیم می‌توان به سراغ عنصر «بنمایه» رفت. کادن بنمایه را اینگونه تعریف می‌کند: «یکی از باورهای مسلط در هر اثر ادبی، بخشی از معنا یا درونمایه اصلی اثر است. این معنی ممکن است شامل یک شخصیت، یک تصویر یا یک الگوی زبانی تکرارشونده باشد» (کادن به نقل از تقوی و دهقان، ۱۳۸۸: ۱۲).

در این پژوهش به دنبال این هستیم که با بررسی و تحلیل گونه‌های مختلف بنمایه، ارتباط آن را با سایر عناصر داستان همچون شخصیت، گفتگو، مکان، زمان و غیره مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

### ۳. پیشینه پژوهش

در ایران در سالهای اخیر به عنصر بنمایه و نقش و کارایی آن در ادبیات توجه بیشتری شده است و کاربرد این عنصر ادبی در نقد بعضی از داستانها و اشعار مرسوم است. اما در مورد بررسی انواع بنمایه در رمانهای دفاع مقدس و ارتباط آن با سایر عناصر داستانی تاکنون پژوهش دقیقی صورت نگرفته است. در ادامه به تحقیقاتی که در این حوزه صورت گرفته است اشاره می‌شود.

سمیعی (۱۳۸۶) در «مضمون، مایه غالب و نماد» به شرح و بررسی پاره‌ای از اصطلاحات مرتبط با بنمایه پرداخته است.

سلاجقه (۱۳۸۸) به طور خلاصه به کارکرد نمادین موتیف در داستان و نقش آن در فضاسازی اشاره کرده است.

تقوی و دهقان (۱۳۸۸) با تکیه بر منابع لاتین در صدد توضیح و طبقه‌بندی معنای بنمایه بر آمده‌اند.

پارسانسب (۱۳۸۸) در «بنمایه: تعاریف، کارکردها، گونه‌ها و غیره» به طور جامع اصطلاحات مربوط به فرهنگهای مختلف را مورد بررسی قرار داده است و در پایان، تعریفی جامع ارائه داده است.

دهقان و تقوی (۱۳۹۰) موتیف، گونه‌ها و کارکردهای آن را در آثار صادق هدایت بررسی کرده‌اند.

ذری و فقیهی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به «تحلیل بنمایه‌های داستانی در منظومه عزیز و نگار» پرداخته‌اند. ایشان به این نتیجه رسیدند که بنمایه‌های عاشقانه، بالاترین بسامد را دارند و از اصلی‌ترین بنمایه‌های عاشقانه، بنمایه سفر است که در کل داستان تکرار می‌شود.

حسینی و کمالی (۱۳۹۳) در «بررسی بنمایه‌های تعلیمی و اخلاقی رمان سووشون» بنمایه‌های «بازگشت به خویشتن، وطن دوستی، خودکفایی، شجاعت زنان، آزادگی و شهادت طلبی، بیگانه‌ستیزی و ایجاد تحول در جامعه» را به عنوان بنمایه‌های تعلیمی و اخلاقی معرفی کرده‌اند.

سلیمی نژاد (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل بنمایه‌های فکری در خاطره‌نویسی دفاع مقدس با تاکید بر آثار: دا، دختر شینا، لشکر خوبان و پایی که جا ماند» بیان می‌دارد که بنمایه‌ها در آثار دفاع مقدس نشانگر عروج معنوی رزمندگان و برگرفته از مکتب قرآن و اهل بیت (ع) هستند. البته متن کامل این پایان‌نامه در دسترس نبود.

#### ۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

ادبیات دفاع مقدس که در واقع بخشی از ادبیات پایداری است به دلیل ظرفیت جهانی شدن، لازم است با نگاهی تحلیل شود که بتواند داستانهای جنگ، شخصیت‌های مقاوم و پیروز این داستانها و ارزشهای موجود در این آثار را به تمام دنیا بشناساند و گسترش دهد.

با وجود تلاشهایی که در سالهای پیشین در حوزه بررسی و تحلیل آثار مربوط به دفاع مقدس توسط پژوهشگران صورت پذیرفته است، همچنان خلأهای بسیاری در این زمینه به چشم می‌خورد که نیازمند مذاقه و تحلیلهای علمی و روشمند است.

کشف، بررسی و تحلیل بنمایه‌ها یکی از ابزارهای مهم در شناسایی و فهم داستانهای دفاع مقدس است و می‌توان با بررسیهای دقیق، پرده از حقایق ناگفته آنها برداشت. بنمایه‌ها در واقع عصاره و جان این داستانها هستند و شناخت بنمایه‌ها راهگشای

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنما به‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

شناخت واقعیت‌هایی است که در روزگار جنگ اتفاق افتاده و نویسندگان آنها را در قالب داستان به تصویر کشیده و برای نسل‌های آینده ماندگار کرده‌اند.

## ۵. بحث

### ۱-۵ معرفی نویسنده و کتاب

قاسم‌علی فراست در روستای «فیلاخص» شهرستان گلپایگان متولد شد. او در همان روستا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۰ در دبیرستان، در رشته ادبی به تحصیلات خود ادامه داد. در سال ۱۳۵۶ تحصیلات خود را در رشته زبان فارسی «مدرسه عالی ادبیات» آغاز کرد، اما در همان سال در پی سه بار اختطار به دلیل فعالیتهای سیاسی و پخش اعلامیه از دانشگاه اخراج گردید. فراست در سال ۱۳۵۷ به نحوی جدی با چاپ قصه‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی، قصه‌نویسی را آغاز کرد. او در سال ۱۳۵۹ به دانشگاه بازگشت و تحقیقات خود را در رشته ادبیات نمایشی تا سطح لیسانس ادامه داد. در سال ۱۳۶۰ عضو واحد ادبیات حوزه اندیشه و هنر اسلامی شد. وی در سال ۱۳۶۵ مدیرکل گروه ادب شبکه دوم شد و بالاخره از سال ۷۵ تاکنون سرپرست دفتر مطالعات ادبیات داستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

کتاب «گلاب‌خانم» در سال ۱۳۷۴ توسط انتشارات قدیانی در ۲۶۲ صفحه به چاپ رسیده است و پژوهش حاضر بر اساس چاپ ششم آن که در سال ۱۳۸۵ بوده نگارش شده است.

### ۲-۵ خلاصه داستان

در سالهای جنگ تحمیلی رزمنده‌ای به نام موسی در جبهه مجروح و در بیمارستانی در اهواز بستری می‌شود. خانواده‌اش که از وضعیت او خبر ندارند، طبق قرار قبلی و نامه‌ای که موسی برای آنها نوشته بوده، در آستانه نیمه شعبان، در تدارک برگزاری مراسم عقدکنان او با دختر دایی‌اش، گلاب هستند. شب قبل از نیمه شعبان چند نفر از اهالی فامیل و همسایه‌ها در خانه آنها جمع می‌شوند تا سور و سات عقدکنان را فراهم آورند، اما تا شب خبری از موسی نمی‌شود.

مراسم عقد به امید آمدن موسی برگزار می‌شود و دو نفر از دوستان موسی به نامهای سلیم و مرتضی با گل و کادو سر می‌رسند. حاضران از آنها سراغ موسی را می‌گیرند و

دوستانش می‌گویند که حدود ده روز است از موسی بی‌خبرند و بنابر دعوت قبلی الان به مراسم آمده‌اند. عقدکنان با صرف نهار و بازگشت مهمانها به پایان می‌رسد.

روز بعد از مراسم، پدر موسی - میرزا - با یکی از دوستانش به طرف منطقه راه می‌افتند و میرزا یکی دو روز در پشت خط منتظر خبر می‌ماند تا اینکه متوجه می‌شود موسی چندی پیش برای شناسایی رفته و دیگر برنگشته است. به احتمال زیاد راه را گم کرده یا زخمی یا اسیر شده است. میرزا به خانه برمی‌گردد و از آن پس جست‌وجوی او و همسرش آسیه هریک به دور از چشم دیگری آغاز می‌شود تا جایی که آسیه در میان شهدای گمنام نیز به دنبال گمشده‌اش می‌گردد.

موسی با جراحات زیادی از جمله شکستگی دست و پا، زخمهای عمیق صورت، کج شدن چانه و تغییر صدا، بدون اطلاع خانواده در بیمارستانی در اهواز بستری است. هیچکس او را نمی‌شناسد و خودش نیز حرفی نمی‌زند و تمایلی ندارد اطلاعاتش را به کسی بگوید. چراکه نمی‌خواهد با شناسایی او، به خانواده‌اش گزارش دهند و آنها ناراحت شوند. بعد از بهبودی نسبی، او را به آسایشگاهی در تهران منتقل می‌کنند. اما او با دیدن وضعیت چهره‌اش و دقیقتر شدن در اوضاع جراحی صورت و تغییر صدایش، حاضر به روبه رو شدن با خانواده نیست.

موسی در آسایشگاه نیاز به یک همکلام رازدار دارد و بالاخره کریم را که نابیناست برای هم‌صحبتی برمی‌گزیند. کریم پس از مرخص شدن از آسایشگاه، خبر گم شدن موسی را در محل می‌شنود و روزی که لیلا (خواهر موسی) به همراه همسرش خسرو به رسم همسایگی به عیادت کریم می‌روند، از زبان کریم می‌شنوند که یک نفر با مشخصات موسی اما با نام وحید در آسایشگاه حضور دارد. لیلا شبانه خبر را به پدر و مادرش می‌رساند و آنها از رختخواب روانه آسایشگاه می‌شوند. اما هیچ مجروحی با نام موسی وجود ندارد و حتی دیدن مجروحان هم، گرهی از کار نمی‌گشاید، هرچند موسی متوجه آمدن پدر مادرش می‌شود اما خودش را به آنها نمی‌شناساند. در روزهای بعد گاهی کریم به دیدن موسی می‌رود و با او صحبت می‌کند. تا اینکه یک روز میرزا و آسیه را هم با خود می‌برد و موسی ناچار می‌شود تا به خانه بازگردد.

موسی در اتاق ماندن را بر دیدار بقیه ترجیح می‌دهد و گوشه‌گیر و منزوی می‌شود. هروقت گلاب به دیدار نامزدش می‌شتابد موسی به بهانه‌های مختلف از دیدن او شانه خالی می‌کند. تا اینکه بالاخره یک روز گلاب موفق می‌شود به اتاق موسی برود و همه

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنمايه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

چیز را بفهمد. موسی هم به او می‌گوید که دیگر منتظرش نماند و با کس دیگری ازدواج کند. گلاب بر سر دوراهی قرار می‌گیرد و برای رهایی از این سرگردانی به تحقیق از خانواده‌های جانبازان می‌پردازد و حتی با خانواده‌ی جانبازی که همسایه آنهاست رفت و آمد می‌کند. سرانجام بعد از کشمکشهای عقلانی و احساسی بالاخره یک روز به موسی زنگ می‌زند و با او در پارک قرار می‌گذارد. هر دو بیکرار دیدار هم هستند و زودتر از موعد حضور می‌یابند. گلاب تصمیمش را مبنی بر ازدواج با موسی با او در میان می‌گذارد و با هم در اینباره حرف می‌زنند. موسی خبر ازدواجش را به همراه خبر تصمیمش برای بازگشت به جبهه را به کریم می‌رساند. کریم از او می‌خواهد زمانی که تصمیم گرفت به خاطر خود جبهه و نه به خاطر فرار از نگاه مردم به جبهه برود، آنگاه برود.

### ۳-۵ بنمايه

بنمايه یکی از اصطلاحات رایج در هنر و ادب و همچنین علم و فن است. بحث از بنمايه در نقد و تحلیل جنبه‌های ساختاری و محتوایی آثار ادبی فواید و کارآییهای بسیاری دارد. از اینرو، آگاهی از جنبه‌های معنایی و تعریفهای آن برای پرداختن به آثار و تحلیل آنها ضروری است.

در مطالعات ادبی امروز «بنمايه» یکی از سرفصلهای مهم در بررسی آثار و سیر اندیشه‌ی صاحب اثر، تحلیل سطح محتوایی اثر، دریافت رابطه‌ی فرم و محتوا، و بررسی کیفیت این رابطه است. در واقع، «یک استراتژی تجزیه و تحلیلی مناسب در نقد ادبی، شناسایی موتیفها و مشخص کردن اثر متقابل درون‌مایه‌ای آنهاست» (شافر، ۲۰۰۵، ۳۰۷). فرهنگ‌نامه‌های ادبی گوناگون و آثاری که در تحلیلهای خود به بنمايه نظر داشته‌اند، تعریفهای گوناگونی از آن ارائه داده‌اند:

در فرهنگ اصطلاحات ادبی کادن آمده است: «موتیف یکی از باورهای مسلط در هر اثر ادبی و بخشی از معنا یا درون‌مایه‌ی اصلی اثر است. این معنی ممکن است شامل یک شخصیت، یک تصویر، یا یک الگوی زبانی تکرارشونده باشد» (کادن، ۲۰۰۶: ۴۰۵).

در فرهنگ اصطلاحات ادبی بالدیک، موتیف «یک موقعیت، واقعه، عقیده، تصویر و شخصیت نوعی است که در چندین اثر ادبی متفاوت یافت شود» (بالدیک، ۱۹۹۰: ۲۳۶).

در فرهنگ اصطلاحات ادبی شیپلی، موتیف «واژه یا طرحی ذهنی دانسته شده است که در موقعیتهای مشابه تکرار می‌شود و برای فراخواندن یا یادآوری یک حالت یا

روحیه مشابه در خلال یک اثر یا در آثار مختلف یک نوع ادبی به کار می رود» (شیپلی، ۱۹۷۰: ۳۸۴).

بنمایه عبارت است از یک مفهوم، یک تصویر، یک رویداد، یا یک کهن‌الگو که در داستان به صورت مرتب تکرار می‌شود و به غنای زیبایی شناختی اثر می‌افزاید. در داستان پریان، این بنمایه می‌تواند اشخاص، حیوانات (مانند اسب)، جادوگر یا شاهزاده باشند و یا رخدادهایی نظیر دزدیده شدن شاهزاده‌خانم به وسیله جادوگر و نجات وی توسط قهرمان که تقریباً در تمامی اینگونه داستانها تکرار می‌شود (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۸۱).

پارسانسب در مقاله خود با عنوان «بنمایه، تعاریف، کارکردها»، بعد از بررسی هشت تعریف متفاوت از بنمایه و بیان محدودیتها و ایرادات این تعاریف، تعریف نسبتاً جامعی از بنمایه ارائه می‌دهد:

بنمایه‌های داستانی عناصر ساختاری - معنایی، از نوع کنشها، اشخاص، حوادث، مفاهیم، مضامین، اشیاء، نمادها و نشانه‌ها در قصه‌هاست که بر اثر تکرار به عنصری تپیک و نمونه‌وار بدل شده است. بنمایه‌ها در موقعیت روایی خاص و معمولاً به سبب تکرار شون‌دگی و برجستگی معنای ویژه می‌یابند و حضورشان در قصه موجب بسط حجمی آن، زیبایی روایت و تقویت جاذبه داستانی و دورنمایه قصه می‌شود (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۲).

در این پژوهش، بر اساس تعریف پارسانسب به بررسی و تحلیل متن خواهیم پرداخت.

#### ۵-۴ انواع بنمایه

زمانی که محقق با مفهوم بنمایه آشنا می‌شود و قصد بررسی این عنصر را در یک رمان دارد، متوجه می‌شود که با طیفهای گسترده و متنوعی از مفاهیم روبه‌روست که در حیطه تعریف بنمایه می‌گنجد و در این حالت، آنچه که بیش از هرچیز به پژوهشگر کمک می‌کند تا پژوهش خود را ساختارمند و نظام‌یافته پیش ببرد تقسیم‌بندی دقیق و اصولی انواع بنمایه‌هاست.

پارسانسب در مقاله خود به این موضوع اشاره کرده است و بنمایه‌های حکایات سنتی فارسی را به شیوه زیر تفکیک و طبقه‌بندی کرده است:

- اشخاص: واقعی - انسانی، واقعی - حیوانی و مجازی

- اشیاء: جادویی، متبرک و قدسی



\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنماه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

- مفاهیم و موضوعات: مسلمانی، عشق، ایمان، بی‌فرزندگی، حماقت و غیره
- حوادث: معمول و غیر معمول
- مکان: عام و خاص
- زمان (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۳۰).

این تقسیم‌بندی می‌تواند در پژوهش حاضر برای تحلیل بنمایه‌ها راهگشا باشد و الگوی طبقه‌بندی گونه‌های مختلف بنمایه قرار بگیرد.

### ۵-۵ عناصر داستان

در این بخش برخی عناصر که کاربرد بیشتری در این داستان دارند معرفی می‌شود:  
**شخصیت:** منظور از شخصیت افراد داستان است و می‌توان گفت پایه و اساس داستان و حیات و خلق یک اثر بنابر وجود اشخاص داستان است. «هریک از اشخاص داستان، شبه شخصیتی تقلیدشده از اجتماع‌اند که بینش جهانی نویسنده بدان فردیت می‌بخشد» (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۴۲).

**کشمکش:** «مقابله دو نیرو یا دو شخصیت است که بنیاد حوادث را می‌ریزد» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۹۵).

۱۱۵ **حقیقت‌مانندی:** تشبیه به حقیقت است و موجب می‌شود که واقعیت داستانی باورکردنی و مقبول واقع شود. «کیفیتی است که داستان را پیش چشم خواننده مستدل و محتمل جلوه می‌دهد و موجب پذیرش آن می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۹۲).

۱۱۵ **مکان:** «فضای عینی وقوع داستان یا اثر نمایشی است که هویتی معین پیدا کند» (بارونیان، ۱۳۸۷: ۲۳۵). نویسنده وقتی که مکانی را وصف می‌کند باید خواننده را با خود به آنجا ببرد و تصویری روشن و قانع‌کننده از آن مکان را پیش روی خواننده قرار دهد.

۱۱۵ **صحنه‌پردازی:** «زمان و مکانی را که در آن عمل داستان صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۵۷۷). کنش داستانی در چهارچوب آن چهره می‌بندد. محل جغرافیایی، زمان یا دوره وقوع وقایع، کار و مشغله اشخاص داستان و عادات و آداب زندگی آنها، محیط فکری، فرهنگی، مذهبی، عاطفی، اجتماعی و خصوصیات خلقی، همه و همه از عناصر صحنه‌پردازی است.

۱۱۵ **تعلیق:** «حالت تعلیق یا هول و ولا، کیفیتی است که نویسنده برای وقایعی که در شرف روی دادن است، در داستان خود می‌آفریند و خواننده را مشتاق و کنجکاو به ادامه دادن داستان می‌کند و هیجان و التهاب او را برمی‌انگیزد» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۹۸).

**بحران:** نقطه‌ای را گویند که تنش و هیجان به اوج خود می‌رسد و سپس گره‌گشایی صورت می‌پذیرد. «لحظه‌ای است که نیروهای متقابل برای آخرین بار با هم تلاقی می‌کنند و عمل داستانی را به نقطه اوج یا بزنگاه می‌کشانند» (همان: ۹۹).

**نماد:** نماد به عنوان چیزی تعریف می‌شود که به جای چیز دیگر قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر چیزی است که معنای خود را بدهد و جانشین چیز دیگری نیز بشود یا چیز دیگری را القا کند» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۵۴۴).

### ۶. تحلیل بنمایه‌های برجسته رمان گلاب خانم

در این بخش برای بررسی و تحلیل بنمایه‌ها، ذیل هرنوع بن‌مایه جداولی ارائه و در چهار قسمت طراحی شده است. قسمت اول، به نام بنمایه اشاره دارد، قسمت دوم برخی از مصادیق بنمایه در رمان را مطرح می‌کند، قسمت سوم فراوانی بنمایه را بر اساس تکرار در صفحات مشخص می‌کند و در قسمت چهارم اگر بن‌مایه با عناصر داستان ارتباطی دارد تبیین می‌گردد. بعد از هر جدول هم توضیحات تکمیلی پیرامون آن آورده شده است.

#### ۱-۶ بنمایه اشخاص

جانباز	
برخی مصادیق	«پایش را درآورد، همچون تکه‌ای چوب کنارش گذاشت» (فراست، ۱۳۸۵: ۴۷).
	«پدر پرسید: می‌لنگی حیدر؟ حیدر گفت: عوضش قیامت ان‌شالله نه شما می‌لنگین نه من. مادر پرسید: چی شده پات؟ حیدر خندید: فرستادمش بهشت ...» (همان: ۱۰۰).
فراوانی	۵۲ بار (ن.ک: ۴۸، ۱۳۹، ۱۸۳ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	با عناصر «شخصیت» و «حقیقت‌مانندی» ارتباط دارد.

با توجه به موضوع کتاب؛ یعنی «زندگی یک جانباز بعد از بازگشت از جبهه» بن‌مایه فوق فراوانی بالایی دارد. این بنمایه با عنصر داستانی «شخصیت» ارتباط دارد. بیشتر مواردی را که بن‌مایه جانباز مشاهده می‌شود، مربوط به شخصیت اصلی رمان «موسی» است. همچنین شخصیتهایی مانند مرتضی که دستش از آرنج قطع شده، پوریا که پایش قطع شده، کریم و مهدی‌زاده که چشمهایشان نابینا شده و غیره در آفرینش این بنمایه

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنما به‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

موثر بوده و به شیوه‌های گوناگون خلق شده‌اند. موسی که «شخصیت اصلی» داستان است، یک شخصیت «ایستا» محسوب می‌شود و از ابتدا تا انتهای داستان ویژگی‌های او تغییری نمی‌کند و خلق و خوی ثابتی دارد. او نماد رزمندگانی است که هرچند در جنگ شرکت داشتند اما هدف‌شان از حضور در جبهه مشخص نبود و حرف و حدیث‌های مردم از رضای خدا برایشان مهمتر بود.

مصدق دیگر این بن‌مایه شخصیت فرعی «مرتضی» است. جانبازی که عاشق جنگ است و بلاها را به جان می‌خورد. او حتی بعد از قطع شدن دستش باز هم به جبهه می‌رود و در کنار سایر رزمندگان فعالیت دارد. در همه حال رضای خدا را در نظر دارد و حرف و حدیث‌های مردم برایش مهم نیست. مرتضی جزء شخصیت‌های «ایستا» است.

شخصیت‌پردازی با این شیوه به «حقیقت‌مانندی» داستان کمک می‌کند، چراکه خواننده متوجه این موضوع می‌شود که نویسنده فقط به ایده‌آها و شخصیت‌های مثبت توجه نداشته و واقعیات دوران جنگ را به خوبی منعکس کرده است.

بن‌مایه «جانباز» بیانگر ایثار و فداکاری رزمندگانی است که در میدان جنگ مردانه جنگیدند و برای دفاع از ارزش‌های خالصانه خود اعضای بدن‌شان را تقدیم خدا کردند. کسانی که هرچند توفیق شهادت نیافتند اما اجری کمتر از شهید ندارند. مبارزانی که از طرفی درد جراحات و زخم‌هایشان را به جان می‌خرند و از سویی درد نیش و کنایه و بی‌مهری مردم و قدرناشناسی‌شان را به دوش می‌کشند.

۱۱۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۹۷

همسر جانباز	
برخی مصداق	همسر جانباز مهدی‌زاده با وجود اینکه شوهرش «موجی» است و مشکلات زیادی دارد اما راضی نیست که او در آسایشگاه بماند و این جانباز را به خانه برمی‌گرداند. «به ضرب دست، پای چشم دخترش را کیود کرده بود. زنش به طرفداری و حمایت دختر آمده بود. او را هم خونین کرده بود. برده بودندش نورافشار. مرکز موجی‌ها...» (همان: ۱۶۶).
فراوانی	۲۲ بار (ن.ک: ۳۹، ۱۴۰، ۲۰۶ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	با عنصر «شخصیت» ارتباط دارد.

این بنمایه روایتگر ایثار و فداکاری زنانی است که به انتخاب خود و نه به اجبار، شریک زندگی یک جانباز می‌شوند و در راه خدا تمام سختی‌های زندگی با این افراد را به جان

می‌خرند. از سختی‌های درون خانه تا نگاه‌ها و پیچ‌پیچ‌های مردم. به کارگیری این بنمایه نشان می‌دهد نویسنده سعی کرده از دریچه‌ای تازه به بن‌مایه «زن» نگاه کند. او زن را یک شخصیت فعال، آرمانی و مبارز توصیف کرده است. زنانی مانند گلاب، گلی، آسیه، همسر کریم و غیره که در نبرد با مشکلات حاصل از جنگ لحظه‌ای از پای نمی‌نشینند و ایثار و فداکاری‌شان ستودنی است.

پدر	
برخی مصادیق	پدر که برای یافتن موسی به جبهه رفته است، زمانی که خبر حمله را می‌شنود سخت نگران فرزند گم شده‌اش می‌شود و حال غریبی به او دست می‌دهد «برق از نگاه میرزا جهید. گوش تیز کرد و وقتی شنید حمله است، وا رفت و زیر پایش را خالی دید...» (همان: ۴۴). وقتی آسیه به دور از چشم میرزا برای پیدا کردن موسی به محل نگهداری شهدای گمنام رفته است و بدون هیچ خبری در حال برگشت از آن مکان است: «زن ناگهان در انبوه جمعیت میرزا را دید ... چشمهای میرزا چنان گود رفته و پاهایش چنان بی‌رمق بود که دل آسیه را لرزاند» (همان: ۷۶).
فراوانی	۱۴ بار (ن.ک: ۴۴، ۱۲۶، ۲۱۶ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	شخصیت

در شخصیت «میرزا» تجلی یافته است و روایتگر پدرانی غیور و متعهد است که هم مسئولیت خانواده را بر دوش دارند و هم نگران فرزندان رزمنده‌شان هستند. اما این نگرانی را در خود می‌ریزند و هیچگاه لب به شکوه نمی‌گشایند و چه بسا مثل میرزا بعد از رفتن فرزندشان به جبهه خودشان نیز شیفته جبهه و مشتاق حضور در آنجا می‌شوند.

مادر	
برخی مصادیق	آسیه برای عقدکنان موسی سنگ تمام گذاشته است. انگار می‌خواهد مهر مادری‌اش را به پسرش ثابت کند: «دار و ندار من و تو همین پسر است. خوش دارم دود و دم غذایش توی حیاط خودم بیچد و خاطره زندگی‌ام باشد» (همان: ۸). وقتی کریم، پدر و مادر موسی را برای دیدار فرزندشان به

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنمایه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

صبر می‌خواند، آسیه می‌گوید: «آقای حضرتی تو را خدا اینقدر امروز فردا نکن، من مادرم» (همان: ۱۴۴).	
۲۷ بار (ن.ک: ۸، ۶۳، ۱۳۷ و غیره).	فراوانی
شخصیت	ارتباط با عناصر داستان

بن‌مایه «مادر» در بسیاری از صفحات این رمان به چشم می‌خورد. مصداق بارز این بنمایه هم آسیه، مادر چشم انتظار موسی است. او «نماد» مادرانی است که در جنگ تحمیلی بسیار چشم انتظار فرزندان‌شان بودند، برخی به وصال فرزند رسیدند و برخی هم تن مجروح یا پیکر شهیدش را در آغوش کشیدند. این بنمایه از مادرانی حکایت می‌کند که زینب‌وار خود را تسلیم تقدیر الهی و جگرگوشه‌هایشان را فدای این مرز و بوم کردند.

پرستار	
«شده بود سنگ صبورشان، مادرشان و خواهرشان ...» (همان: ۶۳).	برخی مصادیق
«خانم فاطمی پرستار افتخاری بخش بود. بی‌هیچ مواجهه آمده بود و مدتها پرستار زخمیها بود» (همان: ۸۱).	
۱۳ بار (ن.ک: ۶۱، ۸۴، ۱۲۹ و غیره).	فراوانی
شخصیت و فضا سازی	ارتباط با عناصر داستان

وجود بن‌مایه «پرستار» حکایت از شخصیت‌هایی دارد که در دوران دفاع مقدس با جان و دل برای خدمت به مجروحان روانه میدان شدند. کسانی که هرچند تفنگ در دست نداشتند اما وظیفه سختی برعهده‌شان بود. رودررو شدن لحظه به لحظه با مجروحان و زخمیها و تلاش برای بهبود و احیای آنها کاریست بس دشوار که فقط یک پرستار عاشق می‌تواند از پس آن برآید. این بنمایه با القای احساسات و فضای عاطفی حاکم بر جبهه به مخاطب، در «فضاسازی» رمان نقش داشته است.

## ۶۲ بن‌مایه مفاهیم و موضوعات

بی‌قراری	
«شب هرچه جاگیرتر می‌شد دلشوره نیامدن موسی هم بالا می‌گرفت» (همان: ۹).	برخی مصادیق

«سرهنگ و هزارتوهایی که برای خود ساخته بود، گلاب را بیقرارتر از آن کرده بود که آرام بگیرد» (همان: ۱۰۵).	
فرآوانی	۳۸ بار (ن.ک: ۱۰، ۵۶، ۲۳۹ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	تعلیق

وقتی بپذیریم رمانهای دفاع مقدس منعکس‌کننده واقعیت‌هایی هستند که روزگاری در جامعه وجود داشته‌اند، آنگاه می‌توانیم بگوییم بن‌مایه «بیقراری» روایت‌کننده دل‌نگرانیها و بیتابیهایی است که خانواده‌های جانبازان و شهیدان و رزمندگان تحمل کرده‌اند. بیقراریهای بی‌پایانی که هر لحظه ممکن بود به شیون ختم شوند، شیون مادری که فرزندش شهید شده یا ناله‌های تنهایی پدری که فرزندش در جبهه گم شده است. و هرچه باشد تلخ است. فراست با بهره از این بن‌مایه به خوبی این نگرانیها و این فضا را توصیف کرده است. وجود چنین بن‌مایه‌هایی باعث حرکت داستان می‌شود و یکی از مهمترین عوامل برای ایجاد «تعلیق» در داستان است.

اندوه	
برخی مصادیق	«آسیه پا به پای مردش می‌آمد. خونین دل و اشک‌ریز» (همان: ۴۰). «نه آمدن گلی را خوب فهمیده بود و نه سوالش را، اما نگاه که در نگاهش داد بغضی که راه را بر گلوش بسته بود ترکید» (همان: ۱۹۸).
فرآوانی	۵۷ بار (ن.ک: ۱۲، ۷۵، ۱۹۸ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	فضاسازی و صحنه‌پردازی

فراست با کاربرد این بن‌مایه سعی کرده فضای آن روزگار را به خوبی به مخاطب منتقل کند. فروانی این بن‌مایه و تکرار آن بیانگر این است که نمی‌شود مادر چشم‌انتظاری باشد و چشم پر اشکی نباشد؛ نمی‌شود غصه فراق فرزند باشد و بغضهای گاه و بی‌گاه پدر نباشد؛ نمی‌شود گلاب آشفته‌حالی که منتظر بازگشت نامزدش از جبهه و آغاز زندگی مشترک است باشد و گریه‌های پنهانی نباشد.

شوق و شادی	
برخی مصادیق	«میرزا ... ذوق زده در تدارک عقدکنان بود» (همان: ۷). میرزا و مرتضی برای یافتن موسی به جبهه رفته‌اند و

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنمایه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

زمانیکه به خط می‌رسند، «میرزا شوق‌زده پرسید: موسی را همین‌جا می‌بینیم؟» (همان: ۴۳).	
۲۶ بار (ن.ک: ۹، ۱۸۵، ۲۴۴ و غیره).	فراوانی

این بنمایه بیشتر در جاهایی دیده می‌شود که خبر خوبی آورده شود یا اتفاق خوبی رخ دهد. مثل بازگشت موسی به خانه، دیدارشان با هم، جشن عقد و ازدواج و غیره. وجود این بنمایه در واقع نوعی اعتراض غیر مستقیم به جنگ است. در واقع نویسنده با گنجاندن این بنمایه در متن داستان می‌خواهد به این نکته اشاره کند که وقتی می‌توان شاد بود و از بودن در کنار یکدیگر لذت برد، چرا جنگ و تحمیل آن بر ملتی عامل جداییها و ناراحتیها باشد؟

توسل	
لیلا خواهر موسی بیقراری مادر را که می‌بیند سر به آسمان بلند می‌کند «خدایا به حق امام زمان که امشب تولدش، موسی را زودتر برسون» (همان: ۱۲). آسیه «پشت پیراهن نقاش درشت خواند "مسافر کربلا". سر بالا داد و به زمزمه گفت: ای عزیز زهرا ...» (همان: ۴۱).	برخی مصادیق
۲۴ بار (ن.ک: ۱۸، ۹۷، ۲۲۱ و غیره).	فراوانی

این بنمایه بیانگر اعتقادات راسخ شخصیت‌های داستان به ائمه (علیهم السلام) است. شخصیت‌هایی که آیینۀ افراد زمانۀ خویش هستند و در سختیها و مشکلات دست توسل به دامن آن بزرگواران دارند. اساساً این نوع طرز تفکر در فضای دهشت‌بار جنگ، سرلوحهٔ ذهن و ورد زبان مردم بوده است.

توکل	
«نقاش نگاه در چشم زن دوخت ... و گفت: توکل کنید حاج‌خانم. فردا هر خبری بود، به حاج آقا تلفن می‌کنیم» (همان: ۴۰). این گفتگوی شبانهٔ یک نوجوان در شبی خلوت پشت سنگرهاست «الهی و ربی من لی غیرک؟ ... خدایا غیر از تو کسی را ندارم... خدایا دوست دارم پیام طرفت، اما آگه	برخی مصادیق

دستم را نگیری نمی‌تونم ... « (همان: ۵۷).	
۱۱ بار (ن.ک: ۳۲، ۵۷، ۱۳۵ و غیره).	فراوانی

از دیگر مفاهیم این رمان که به سبب تکرارشوندگی، عنوان بنمایه به خود گرفته است، بن‌مایه «توکل به خدا» است که نشان می‌دهد شخصیت‌های این رمان از بینشی عمیق نسبت به وجود خداوند در زندگی‌شان برخوردارند و ریز و درشت مسائل‌شان را فقط از خدا می‌دانند و فقط از خدا می‌خواهند.

<b>ترس از حرف مردم</b>	
واکنش موسی به ترس دختر بچه از چهره ناخوشایندش: «زیر روانداز خزید و دل به آینده‌ای داد که رو به سوی او داشت. سر زبانها افتادن، انگشت‌نما شدن، در به روی خود بستن و پا پس کشیدن گلاب» (همان: ۱۳۱).	برخی مصادیق
«موسی به گفته مرتضی تن داد اما دل نداد. سرش را پایین انداخت تا از تیغ نگاه‌ها در امان بماند» (همان: ۱۸۰).	
۱۴ بار (ن.ک: ۱۳۱، ۲۰۸، ۲۴۷ و غیره).	فراوانی

افراد جامعه گاهی برخوردهای نامناسبی با جانبازان دارند و به جای قدردانی، موجب رنجش خاطر جانبازان می‌شوند. این بنمایه دلیل اصلی موسی برای پنهان ماندن در خانه، ارتباط نداشتن با جامعه و شانه خالی کردن از زیر بار ازدواج است. اما بالاخره با کمک دوستانش و گلاب با این مسئله کنار می‌آید.

<b>انتظار</b>	
در توصیف آسیه آمده است: «حیاط را چندبار جارو کشیده و آب زده بود، کوچه را تا ته رفته و گفته بود ریسه ببندند، اتاقها را هرروز یک جایشان را تمیز می‌کرد و حالا چشم انتظار موسی بود» (همان: ۸).	
«به همین زودی از انتظار خسته شدی... آسیه...؟ آفرین! دو روز که پسرت نیومد لای کشته‌ها دنبالش می‌گردی...؟!» (همان: ۷۶).	
۱۱ بار (ن.ک: ۱۳، ۱۱۸، ۲۰۸ و غیره).	فراوانی
تعلیق	ارتباط با عناصر داستان



\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنمایه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

این بنمایه نشانگر انتظار خانواده‌های مظلوم رزمندگان است. انتظاری که قرار از دل می‌برد و خواب از چشم می‌رباید. انتظاری که با امید همراه است و نوید می‌دهد و با شخصیت‌هایی مانند مادر و گلاب عجین شده است. کاربرد این بنمایه به عنصر «تعلیق» در داستان می‌انجامد و خواننده را در هاله‌ای از انتظار، مشتاق و کنجکاو ادامه وقایع می‌کند.

صبر	
برخی مصادیق	زمانیکه آسیه بیقراری و اشک و گریه را پیش گرفته، گلاب او را به صبر دعوت می‌کند «خوددار باش عمه جون. آقا موسی هم میاد. مطمئن باش» (همان: ۷۱). کریم پدر و مادر موسی را که قصد دارند برای بازگرداندنش به آسایشگاه بروند به صبر دعوت می‌کند: «باز هم صبر کنین و گرنه همه بافته‌هامون ممکنه رشته بشه» (همان: ۱۴۵).
فراوانی	۱۶ بار (ن.ک: ۶۳، ۱۰۲، ۱۸۱ و غیره).

شاید بتوان این بنمایه را یکی از اصلی‌ترین بنمایه‌های این داستان به حساب آورد. صبر مادر، صبر همسر، صبر پدر. صبر بر مشکلات و مسائل، صبر بر دوری و فراق، صبر بر نیش و کنایه‌های مردم و غیره. شخصیت‌های این داستان با صبر انس گرفته‌اند تا بتوانند مصیبت‌ها و بلاهایی که بر آنها می‌رسد را تحمل کنند. گلاب که صبورانه در انتظار پیداشدن و برگشت موسی است، گاهی از اوقات غمگین می‌شود اما باز هم صبور است و دیگران را هم به صبر دعوت می‌کند.

عشق	
برخی مصادیق	آسیه در آستانه مراسم عقد پسرش عاشقانه زحمت می‌کشد «زن چادر به کمر بسته بود و به عشق رسیدن موسایش شب و روز نمی‌شناخت» (همان: ۸). «هنوز رد اشک، پای چشمهایش و هجوم غم بر دلش بود که رو به موسی لب به خنده داد. موسی خشک خندید و گفت: دوستت دارم گلاب» (همان: ۲۵۱).
فراوانی	۲۵ بار (ن.ک: ۳۹، ۱۷۶، ۲۳۷ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	فضاسازی

۱۳۳۳ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۹۷

بن‌مایه «عشق و علاقه» در صحنه‌های مختلف داستان قابل مشاهده است. عشق مادر به فرزند، عشق زنی که چندسال است با همسر نابینایش زندگی می‌کند، عشق نوبرانه موسی و گلاب که هنوز ازدواج نکرده‌اند، عشق میان هم‌زمان در جبهه و غیره. همه بیانگر مهربانی و محبت شخصیت‌هایی است که در دوران بحرانی جنگ عاشقانه در کنار هم زندگی می‌کنند. عشقی که از جنس عشق‌های لحظه‌ای نیست، عشق به ظاهر و قیافه نیست، عشقی ست پایدار و عمیق که به خاطر ارزشها به وجود آمده است. این بن‌مایه از جمله بن‌مایه‌هایی است که در القای فضای عاطفی داستان به مخاطب و ایجاد ارتباط نزدیک میان خواننده و شخصیت‌های داستان، نقش مهمی ایفا می‌کند.

خنده	
برخی مصادیق	«لبهای گلاب به خنده باز شد، اما از شرم حضور خنده‌اش را خورد» (همان: ۸۸). «موسی آنقدر نخندیده بود که خندیدنش را زن از یاد برده بود. دوست داشت بماند و موسی باز هم بخندد و او خنده‌اش را تماشا کند» (همان: ۱۷۸).
فراوانی	۲۱ بار (ن.ک: ۳۴، ۱۱۳، ۱۷۸ و غیره).

تکرار بن‌مایه «خنده» حکایت از روح بزرگ و دل دریایی شخصیت‌های داستان دارد که هرچند هرروز خود را با غم و غصه سپری می‌کنند اما لب به خنده دارند و مصداق روایتی از معصوم (ع) است که می‌فرماید: غم مومن در دلش و شادی وی در چهره‌اش می‌باشد.

تنهایی	
برخی مصادیق	درباره وضعیت موسی در آسایشگاه آمده است «بی‌تاب از تنهایی بود. بیش از این توان تنهایی نداشت. تشنه کسی بود که به حرفش بگیرد» (همان: ۱۱۳). «از آن همه تنهایی دلش گرفته بود و هوای رفتن داشت» (همان: ۱۸۰).
فراوانی	۱۵ بار (ن.ک: ۴۳، ۱۱۳، ۱۷۵ و غیره).

یکی دیگر از بن‌مایه‌ها در حوزه مفاهیم و موضوعات، بن‌مایه «تنهایی» است. این بن‌مایه

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنما به‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

حتی یک کلمه با کسی حرف نمی‌زند. اینگونه می‌شود که او در جمع باصفای جانبازان در آسایشگاه احساس تنهایی می‌کند. زمانی هم که به خانه بازمی‌گردد از ترس حرف و حدیث‌های مردم و مسخره شدن به خاطر چهره و صدایش در اتاق منزوی می‌شود.

### ۶۳ بن‌مایه حوادث

عیادت کردن	
برخی مصادیق	«اهل محل به عیادت می‌آمدند و می‌رفتند، اما هیچکدام موسی را نمی‌دیدند» (همان: ۱۶۴). «زن سوم گفت: ما به خاطر ثواب به ملاقات رفتیم، بقیه‌اش به ما چه؟» (همان: ۱۶۶).
فراوانی	۹ بار (ن.ک: ۸۱، ۹۶، ۱۲۷ و غیره).

عیادت از جانبازان و مجروحان یکی از اعمال نیکی است که از شخصیت‌های داستان سر می‌زند و ریشه در اعتقادات و باورهای دینی آنها دارد. اهمیت این موضوع تا حدی است که در احادیث اشاره‌های فراوانی به آن شده است؛ چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «عیادت‌کننده بیمار در برکت فرو می‌رود و چون نزد بیمار بنشیند در آن غوطه ور می‌شود» (کراجکی، ۱۳۶۸: ۳۷۹). همچنین می‌فرمایند: «عیادت‌کننده از بیمار، در بستان بهشتی است تا زمانی که برگردد» (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۶۴).

تمسخر	
برخی مصادیق	«خسرو بشکن زد و رو به آسیه که بی‌تاب برگشته و در قاب در ایستاده بود گفت: بفرما دیگه چی میخواهید عزیز؟» (همان: ۳۴). - «به! عروس و داماد خوب خلوت تنها کردیدها؟! خب، خب، بابا خیلی لیلی و مجنون عمل می‌کنید» (همان: ۱۹۴).
فراوانی	۹ بار (ن.ک: ۳۳، ۱۴۵، ۲۲۷ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	شخصیت، کشمکش

این بن‌مایه با شخصیت «خسرو» در ارتباط است که نماینده یک شخصیت متزلزل و سودجوست و جنگ را به مسخره گرفته است. «منحصراً به پول و درآمد می‌اندیشد»

۱۲۵



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۹۷

(دستغیب، ۱۳۷۵: ۸۵). او از مرتضی می پرسد در جبهه به ازای جنگ چه مواجبی می دهند؟ رفتار و گفتار او موجب تقابل با شخصیتهایی مانند موسی و مرتضی، و ایجاد کشمکش می شود.

#### ۶۴ بن مایه مکان

آسایشگاه	
برخی مصادیق	«اواخر در آسایشگاه چو افتاده بود که کریم خیلی چیزها را همچون بقیه می بیند و جواب می دهد» (همان: ۱۳۸). «از میان همه راه های پیدا شده، رفتن به آسایشگاه و پیدا کردن موسی را بهتر دید» (همان: ۱۴۱).
فراوانی	۸ بار (ن.ک: ۱۰۱، ۱۳۳، ۱۴۶ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	صحنه پردازی

این بنمایه به گونه ای توصیف شده است که فضای آسایشگاه را به خوبی در نظر خواننده ترسیم می کند. محیطی صمیمی و دوستانه که محل آسایش جانبازان است. جانبازانی که هوای همدیگر را دارند و دوستانه با هم زندگی می کنند. اگر کسی نیاز به کمک داشته باشد همه داوطلب می شوند، اگر برای کسی مشکلی پیش بیاید همه دنبال رفع مشکلش هستند، با هم ورزش و بازی می کنند، در خلوتها هم صحبت هم می شوند، در دوره می هایشان از خاطرات جبهه و جنگ می گویند و حتی پرستاران آسایشگاه هم با جانبازان رفتاری دوستانه و صمیمی دارند. محیطی پر از درخت و جویبار که موجب آرامش می شود. و اینگونه است که در صحنه پردازیها بسیار موثر بوده است.

بیمارستان	
برخی مصادیق	«اوایل هرکس که دنبال گمشده ای به بیمارستان می آمد، او را فقط نشانش می دادند و می رفتند» (همان: ۸۰). «مرتضایی پرسید: از جبهه مستقیم به بیمارستان اعزام شد؟» (همان: ۱۳۰).
فراوانی	۷ بار (ن.ک: ۶۴، ۷۲، ۱۲۹ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	شخصیت

این بنمایه نیز با شخصیت «موسی» در ارتباط است. کاربرد این بنمایه توانسته است

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنمایه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

در توصیف فداکاری پرستارها نیز موثر باشد.

جبهه	
برخی مصادیق	«مرتضی گفت: چندبار هم تلفن کرد ... خلاصه برق جبهه خیلی قوی بوده، گرفته‌ستش» (همان: ۲۱۶). «ولش کن. راحتش بگذار. تو که قصد نداری حالا حالا بمونی جبهه. فقط چندروز است، بگذار بسته باشد [مغازه]» (همان: ۲۳۴).
فراوانی	۱۴ بار (ن.ک: ۲۹، ۲۵۷، ۲۶۲ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	صحنه‌پردازی

این بنمایه در صحنه‌پردازی و توصیف فضای جبهه به نویسنده بسیار کمک کرده است. توصیف جبهه با ویژگیهایی مانند باصفا، با معنویت، عامل خودسازی، بانشاط و غیره همراه است.

### ۶۵ بنمایه زمان

مناسبت های مذهبی	
برخی مصادیق	«از ماه‌ها قبل فردا، نیمه شعبان را برای روز عقد تعیین کرده بودند» (همان: ۷). «موسی گفته بود می‌آید. گفته بود قبل از عید می‌رسد و عقدکنان روز نیمه‌شعبان باشد» (همان: ۸ و ۹).
فراوانی	۳ بار (ن.ک: ۷، ۸، ۹ و غیره).
ارتباط با عناصر داستان	

وجود این بنمایه نشانگر تفکرات و اعتقادات مذهبی شخصیت‌های داستان است. که برای اتفاق مهمی مانند عقد، این رویداد مذهبی را انتخاب کرده‌اند. با وجود این بنمایه می‌توان به نکته دیگری در خصوص این داستان هم پی برد. اینکه نویسنده در طرح داستان هرچند کوشیده است تصویر مثبتی از جنگ به دست دهد و معنویات و برکات آن را از زبان شخصیت‌هایی مانند مرتضی، کریم، خانم فاطمی و غیره بیان کند، اما به نظر می‌رسد با کاربرد بنمایه «نیمه شعبان» قصد اعتراض غیر مستقیم به جنگ و آثار و تبعات آن را دارد. چراکه سایه شوم جنگ باعث شده مردم حتی در اعیاد مذهبی و جشنهای

۱۲۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۹۷

خانوادگی شان غمگین و ناراحت باشند.

### ۷. نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری به سبب ماهیت وجودی خود دارای مفاهیم و مضامین خاصی است. بنمایه‌ها به سبب تکرار، برجستگی و معنایی خاص می‌یابند و باعث تقویت جاذبه‌های داستانی و درونمایه داستان می‌شوند. قاسم‌علی فراست در رمان «گلاب‌خانم» از این عنصر مهم، هنرمندانه بهره برده است. او با بهره‌گیری از بنمایه‌های گوناگون اشخاص، مفاهیم، حوادث، اشیاء، مکان و زمان، توانسته است در توصیف فضای جنگ و وضعیت جانبازان و خانواده‌هایشان در پشت جبهه موفق عمل کند. همچنین در انتقال ارزشها و مفاهیم پایداری مانند شهادت طلبی، ایثار، دفاع از وطن و غیره واقعیت‌های آن دوران را عینیت بخشید. همچنین از طریق پیوند این بنمایه‌ها با عناصر داستانی، نظیر شخصیت، کشمکش، تعلیق، نماد، صحنه‌پردازی و غیره توانسته است خواننده را مشتاق به خواندن داستان و پیگیری آن کند. مثلاً بن‌مایه «انتظار» با عنصر «تعلیق» در ارتباط است.

بعد از بررسی و تحلیل بنمایه‌ها مشخص شد که در این رمان بن‌مایه «اشخاص» بیشترین فراوانی را دارد و ارتباط آن با عنصر «شخصیت» در سراسر رمان مشهود است. بر این اساس می‌توان این رمان را یک رمان «شخصیت‌محور» دانست که بر معرفی خصوصیات و تحول شخصیتها، بیشتر از حوادث و عناصر دیگر داستان تاکید دارد و به تبع آن بنمایه‌های زمان و حوادث کم‌رنگ هستند و بن‌مایه اشیا نیز حضور جدی ندارد. توجه نویسنده به عنصر «حقیقت‌مانندی» نیز موجب شده است داستانی واقعی و باورپذیر خلق کند. شخصیت‌هایی که نویسنده خلق کرده است حقیقی، ملموس، واقعی و طبیعی‌اند و همه از دل زندگی و از متن مردم جامعه گرفته شده‌اند. بنمایه‌های متضاد و متقابلی که در بخش مفاهیم و موضوعات بررسی شدند، مانند «اندوه - شادی»، «گریه - خنده» و غیره در ترسیم واقعی فضا و حقیقت‌مانندی داستان موثر بوده‌اند، چراکه تمام ابعاد و زوایای زندگی مردم در آن روزگار را نشان می‌دهند. مکانها و اشیاء توصیف شده نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بنمایه‌هایی مانند ترس، دشمن، تانک، مجروح و غیره برای انعکاس واقعیتها به کار رفته‌اند.

\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنماه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

## منابع

### کتابها

- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ ج ۹، بیروت: دار صادر، ۱۳۷۵.
- امیری خراسانی، احمد؛ *نامه پایداری*، مجموعه مقالات سومین کنگره ادبیات پایداری؛ کرمان: گرا، ۱۳۹۱.
- ایرانی، ناصر؛ *داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر*؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۴.
- بارونیان، حسن؛ *شخصیت‌پردازی در داستانهای کوتاه دفاع مقدس*؛ تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۸۷.
- براهنی، رضا؛ *قصه نویسی؛ چ چهارم*؛ تهران: البرز، ۱۳۶۸.
- برومند سرکرده، فیروزه؛ *کتاب‌شناسی دفاع مقدس*؛ ج ۱ و ۲، تهران: قدیانی، ۱۳۸۴.
- پارسی نژاد، کامران؛ *جنگی داشتیم، داستانی داشتیم*؛ تهران: صریر، ۱۳۸۴.
- پور قربان، حمیدرضا؛ *ارزشها و ویژگیهای دفاع مقدس*؛ دفتر مطالعات و آموزش نیروی انسانی سازمان مرکزی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان، ۱۳۹۱.
- حسن بیگی، ابراهیم؛ *جنگ و رمانهایش*؛ تهران: سروش، ۱۳۹۲.
- حنیف، محمد؛ *جنگ از سه دیدگاه*؛ تهران: صریر، ۱۳۸۶.
- حنیف، محمد و محسن؛ *کند و کاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس*؛ تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۸۸.
- داد، سیما؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی*؛ چ ۷، تهران: مروارید، ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_؛ *کالبد شکافی رمان فارسی*؛ تهران: سوره مهر، ۱۳۸۳.
- دهقان، احمد؛ *آینده رمان و داستان‌نویسی جنگ در ایران*؛ مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران؛ تهران: انتشارات ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- سلیمانی، محسن؛ *تاملی دیگر در باب داستان*؛ چ ۵، تهران: حوزه هنری، ۱۳۶۹.
- سنگری، محمدرضا؛ *ادبیات دفاع مقدس، مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی*؛ تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۸۹.
- شیشه گران، پرویز؛ *چهل کتاب: معرفی توصیفی چهل داستان دفاع مقدس*؛ تهران: گلگشت، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_؛ *شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر*؛ تهران: آن، ۱۳۸۱.

- کراچی، محمد بن علی؛ *کنز الفوائد*؛ ج اول، قم: دارالذخایر، ۱۳۶۸.
- طبرانی، سلیمان بن احمد؛ *المعجم الاوسط*؛ قم: مکتبه المعارف، ۱۳۹۰.
- فراست، قاسم علی؛ *گلاب خانم*؛ تهران: انتشارات قدیانی، ۱۳۸۵.
- مقدادی، بهرام؛ *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، از افلاطون تا عصر حاضر*؛ تهران: فکر روز، ۱۳۷۸.
- میرصادقی، جمال؛ *راهنمای داستان نویسی*؛ تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_؛ *شناخت داستان*؛ تهران: نگاه، ۱۳۹۲.
- \_\_\_\_\_؛ *عناصر داستان*؛ ج ۹، تهران: سخن، ۱۳۹۴.
- \_\_\_\_\_؛ *ادبیات داستانی: قصه، داستان کوتاه، رمان*؛ ج ۷، تهران: سخن، ۱۳۹۴.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی؛ *واژه نامه هنر داستان نویسی، فرهنگ تفصیلی اصطلاح های ادبیات داستانی*؛ تهران: مهناز، ۱۳۷۷.

#### مقالات

- آزاد، یعقوب؛ «فرهنگ اصطلاحات ادبیات داستانی»، *مجله ادبیات داستانی*، سال چهارم، ش ۳۹ (۱۳۷۵)، صص ۲۶ - ۳۳.
- پارسا نسب، محمد؛ «بنمایه: تعاریف، گونه ها، کارکرد و غیره»، *فصلنامه نقد ادبی*، سال اول؛ شماره ۵ (۱۳۸۸)، صص ۷ - ۴۰.
- حسینی کازرونی، احمد و محمد رضا کمالی بانیانی؛ «بررسی بنمایه های تعلیمی و اخلاقی سووشون»، *فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی*؛ ش ۱۹ (۱۳۹۳)، صص ۷۹ - ۹۶.
- تقوی، محمد و الهام دهقان؛ *موتیف چیست و چگونه شکل می گیرد؟*؛ *فصلنامه نقد ادبی*، ش ۸ (۱۳۸۸)، صص ۷-۳۱.
- دستغیب، عبدالعلی؛ «نقد رمان گلاب خانم»، *مجله ادبیات داستانی*، سال چهارم، ش ۳۹ (۱۳۷۶)، صص ۸۵ - ۱۳۹.
- دری، زهرا و راضیه فقیهی؛ «تحلیل بنمایه های داستانی منظومه عزیز و نگار»، *فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی*؛ ش ۱۷ (۱۳۹۲)، صص ۱۸۹ - ۲۱۳.
- دهقان، الهام و محمد تقوی؛ «موتیف، گونه ها و کارکردهای آن در داستانهای صادق هدایت»، *فصلنامه نقد ادبی*؛ سال چهارم، ش ۱۳ (۱۳۹۰)، صص ۹۱ - ۱۱۵.
- سمیعی گیلانی، احمد؛ «مضمون، مایه غالب و نماد»، *نامه فرهنگستان*؛ ش ۲ (۱۳۸۶)، صص ۴۹ - ۵۹.



\_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل بنمايه‌های پایداری و ارتباط آنها با عناصر داستان در رمان «گلاب‌خانم»

عبداللهیان، حمید؛ «شیوه‌های شخصیت‌پردازی»، فصلنامه ادبیات داستانی، سال نهم، ش ۵۴ (۱۳۸۰)، ۶۲-۷۰.

#### منابع خارجی

- Baldick, Chris. Oxford Dictionary of Term. New York : Oxford University Press, 1990.  
Cuddon, J.A. A Dictionary of Literary Term and Literary Theory. Molden: Black Well Publisher, 2006.  
Shaffer, Lawrence. Encyclopedic Dictionary of Literary Criticism. Delhi: IVY Publishery House, 2005.  
Seigneuret, Iean –Charles. Dictionary of Literary. Themes and Motifs. New York: Greenwood press, 1988.  
T.Shipley, Joseph. Dictionary of World Literary Term: London: George Allen, 1970.

